



ثبت می‌رساند که طبق آن پس از مرگش، تولیت اداره و مدیریت بیمارستان منتصریه و موقوفات آن به آستان قدس منتقل می‌شود. همچنین از آنجا که او فرزندی نداشته است، نظارت بر موقوفاتش را به برادرش اسدالله قهرمان می‌سپارد تا او عهده‌دار این منصب شود. حاج اسدالله نیز تا وقتی که عمرش کفاف می‌داده، خدمتگزار موقوفه خواهرش بوده و پس از او نیز رضاقلی قهرمان، پسر بزرگ او، عهده‌دار این کار می‌شود که تاکنون نظارت بر موقوفه توسط وی ادامه دارد.

❁ رابعه خانم در کجادفن شده است؟

بانو قهرمان در زمان حیات، حجره‌ای در حرم را پیرداخت ۱۰۰ هزار ریال از آن خود می‌کند که دو سر داب دارد. یکی از جای قبر هاراپس از مرگ عمه‌اش به او واگذار می‌کند و یکی دیگر را نگه می‌دارد تا وقتی که اجل به سراغ خودش آمد، در جوار حضرت رضا (ع) ببار آمد. این حجره که طبق اسناد آستان قدس رضوی، جنب کفشداری هندی هاقرار دارد، حدود ۷۵ سال پیش میزبان پیکر رابعه خانم شده است.

❁ ۱۲ سال پیوند عضو

دهه ۴۰ قرن ۱۴ خورشیدی صفحه‌تازه‌ای از زندگی بیمارستان ورق می‌خورد؛ ساختمان منتصریه در حالی که به پنجاه سالگی خودش نزدیک می‌شده، خسته و فرتوت به نظر می‌رسیده است. از طرفی سیل مهیب سال ۱۳۲۹ خورشیدی که خسارات زیادی به شهر زده، بیمارستان را هم بی‌نصیب نگذاشته و حالا وقتش شده است که ساختمان کهنه جان تازه‌ای بگیرد. آستان قدس رضوی به کارمندان خود مأموریت می‌دهد وضعیت ساختمان را مطالعه و بررسی و با اطلاع ناظر موقوفه، بنای آن را تجدید کنند و گنجایش آن را افزایش دهند. مرحوم مؤتمن در کتاب «راهنما و تاریخ آستان قدس رضوی» درباره این بیمارستان در سال ۱۳۴۶ خورشیدی می‌نویسد: «بنای سابق که کهنه و تقریباً نیمه خراب شده بود، به کلی بر چیده شد و به جای آن بنای تازه‌ای ایجاد شد و در خردادماه ۱۳۴۳ شمسی زمان تولیت امیرعزیزی رسماً افتتاح و شروع به کار نمود.

در نود سالگی بیمارستان منتصریه (۱۳۸۷ خورشیدی) در حالی که جمعیت شهر مشهد بیش از ۳ میلیون نفر شده بود، نیاز به گسترش فضای بیمارستان در اولویت قرار می‌گیرد؛ به همین علت آستان قدس رضوی با حفظ ساختمان قدیمی، سازه ۶ طبقه‌ای در زمین وقفی رابعه خانم بنامی کندو ساختمان جدیدی را باز بر بنای ۹ هزار و ۲۰۰ متر با لای می‌برد.

این سازه هم‌زمان با سالروز ولادت با سعادت حضرت امام رضا (ع)، افتتاح و برای بهره‌برداری و تجهیز به دانشگاه علوم پزشکی مشهد، تحویل داده می‌شود. پس از آن، بیمارستان منتصریه با تغییر کاربری به نخستین مرکز پیوند اعضا و دیالیز در شرق کشور تبدیل می‌شود.

❁ اخبار بیمارستان در جراید

روزنامه رعد که آن زمان اخبار ساخت این بیمارستان را پیگیری می‌کرد، در شماره ۲۸ خود می‌نویسد: «مریض خانه منتصریه از تأسیسات مرحوم منتصر الملک است که عایداتش از موقوفات املاکی (است) که عجات‌دار سال، بالغ بر ۶ هزار تومان می‌شود. رییس آن (هم) آقای دکتر حسین خان طهرانی است. چون هنوز ترتیب کاملی برای این مریض خانه داده نشده و بنایی آن به پایان نرسیده، مریض خوابانده اند و فقط مُرِضا (بیماران) مجاناً معاینه می‌شوند.»

همین جریده در ۱۳ بهمن ۱۳۹۸ خورشیدی خبر دیگری را به نقل از دکتر طهرانی نقل می‌کند که نشان می‌دهد بیمارستان از خرداد سال ۱۳۹۸ شروع به کار کرده و صورت عایدات و مخارج آن در این ۸ ماه چنین بوده است: «در مدت هشت ماه گذشته تا آخر جُذی (آخر بهمن) آنچه واصل مریض خانه گردیده، ۳۵ هزار و ۳۸۷ قران و ۷۰۰ دینار (بوده) بدین ترتیب: اجاره املاک موقوفه ۳۳ هزار و ۷۴۴ قران، عواید متفرقه و اعانات هزار و ۶۴۳ قران و ۷۰۰ دینار، مخارج مرضی که تحت معالجه بوده اند به ضمیمه حقوق اطباء و ۳ هزار و ۷۱۰ قران و ۷۰۰ دینار است و بقیه آن را که بالغ بر هزار و ۷۱۶ قران می‌باشد، طلب مریض خانه است که باید از محل اجاره املاک وصول شود». از این آمار و وقف‌نامه آن معلوم می‌شود که بنای کار این مرکز درمانی از اساس بر در مان رایگان بیماران نهاده شده بوده است. در ادامه این خبر، رییس بیمارستان آمار بیماران را که در این مدت در بیمارستان مداوا شده بودند، ۱۱۹ نفر و تعداد مریضانی را که سرپایی به پزشکان مراجعه کرده بودند، نزدیک ۶ هزار نفر اعلام می‌کند.

البته بیمارستان در سال نخست با چالش‌های مالی روبه‌رو می‌شود؛ ۲۵ اسفند ۱۳۹۸ در جراید آن زمان نوشته‌اند: «مریض خانه منتصریه به مناسبت عدم وصول عایدات آن و عقب افتادن اقساط اجاره املاک موقوفه، قریب ۲ هزار تومان مقروض شده و نزدیک به انحلال است». پس از این، منتصریه در یک شیب ملایم روزگار می‌گذراند و تبدیل به یک شفاخانه عمومی می‌شود که مردم بی‌بضاعت از آن بهره‌مند بوده‌اند.

❁ قصه تعطیلی چند ماهه

قصه منتصریه همین‌جا به پایان نمی‌رسد. در سال ۱۳۱۲ خورشیدی ساختمان آن برای مدتی تعطیل می‌شود تا طبق آنچه در اسناد گفته شده است، آن را بازسازی و تجهیز کنند. در ۶ آبان ۱۳۱۲ خورشیدی، احترام السلطنه نامه‌ای به آستان قدس می‌نویسد مبنی بر اینکه نماینده‌ای را برای شرکت در یک جلسه معرفی کنند؛ جلسه‌ای که برای تصمیم‌گیری درباره سامان‌دهی امور داخلی منتصریه برگزار کرده است. در این جلسه رأی به تعطیلی چند ماهه منتصریه داده می‌شود تا امور آن سامان پیدا کند. اما در اسفند همین سال، نامه‌ای را آستان قدس برای رابعه خانم می‌فرستد که در آن آستانه می‌خواهد با توجه به شیوع مرض تیفوس در شهر و پرسیدن ظرفیت دارالشفاء، منتصریه را تا ۱۵ اسفند بازگشایی کنند. رابعه خانم هم پاسخی می‌دهد که مقدمات افتتاح ساختمان منتصریه پس از تعمیر بنا و تجدید اثاثیه و... فراهم شود و از ۱۷ اسفند دایر است و از بیماران پذیرایی می‌کنند. بانو قهرمان به قول خودش وفای کند و در بیمارستان در بحبوحه شیوع بیماری‌های واگیردار به روی افرادی بیمار و نیازمند گشوده می‌شود. همچنین چهل تخت در همه این سال‌ها، پذیرای بیماران ناتوان و مستمند شهر است تا مراحل بیماری را پشت سر بگذارند.

❁ مرگ رابعه و تولیت آستان

سال ۱۳۲۲ خورشیدی یک سال سرنوشت‌ساز برای بیمارستان است. رابعه خانم در این سال، پذیرای مرگ می‌شود تا نخستین تغییر در اداره بیمارستان رخ دهد و آن، متولی شدن آستانه بر پایه خواسته واقف است. احترام السلطنه در ۸ اسفند سال ۱۳۱۱ خورشیدی وقف‌نامه‌ای را به